

موقعیت جنبش کارگری در

سال ۸۷، اشکال مبارزه، خواست‌ها و پیشرفت‌ها

سازمان فدائیان (اقلیت)

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

تحولات جنبش کارگری در سال ۸۷، اگرچه در ادامه و راستای مجموعه تحولات چند سال گذشته است، اما دو مشخصه عمومی و برجسته در آن دیده می‌شود. مشخصه نخست این است که در سال ۸۷، تعرضات بیرحمانه طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه، هولناکتر از گذشته، علیه کارگران و علیه جنبش کارگری تشدید گردید، و مشخصه دوم اینکه، طبقه کارگر، پیگیرانه و با روحیه‌ای جسورانه‌تر از گذشته، در برابر این تعرضات، دست به اعتراض و مقاومت زد و در همان حال، کم و کیف اعتراضات و مطالبات خویش را نیز ارتقاء داد. برای بدست آوردن درک دقیق تری از موقعیت جنبش کارگری، این دو مشخصه را باید از نزدیک مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

تعرض طبقه سرمایه‌دار و دولت آن علیه طبقه کارگر و جنبش طبقاتی کارگران، عرصه‌های متعددی را در بر می‌گیرد. از تعیین دستمزدهای کارگری در زیر خط فقر و گران کردن کالاها و افزایش قیمت‌ها گرفته تا اخراج هاوبیکارسازی های وسیع و تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء، و از محروم ساختن کارگران از حق برپائی تشکل کارگری گرفته تا دستگیری فعالان کارگری و سرکوب اعتصابات و مبارزات کارگران، جملگی، در زمره تعرضات طبقه سرمایه دار علیه طبقه کارگر هستند و بدون تردید بر زندگی و مبارزات کارگران نیز تأثیر گذاشته اند. تعرضات طبقه سرمایه دار و دولت آن علیه طبقه کارگر در عرصه اقتصادی در سال ۸۷، به مراتب هلاکت بارتر از سال قبل از آن بود. تورم ۳۰ درصدی و گرانی فزاینده کالا ها و خدمات مورد نیاز کارگران در سال ۸۷، قدرت خرید و در نتیجه سطح زندگی کارگران را به شدت تنزل داد. فقر و گرسنگی به طرز وحشتناکتر و کشنده‌تری در میان انبوه پرشماری از کارگران و خانواده‌های کارگری گسترانده شد.

اخراج و بیکارسازی کارگران ابعاد بس فاجعه‌بارتری به خود گرفت. برخی از سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها، برای انتقال سرمایه‌های خود به بخش‌های سودآورتر، کارخانه‌ها را تعطیل نموده و دست به اخراج وسیع کارگران زدند. صدها واحد تولیدی، در همین رابطه به محاق تعطیل کشیده شد. به اعتراف محبوب دبیرکل خانه کارگر رژیم، در سال ۸۷ دست کم ۴۰۰ واحد تولیدی کوچک، متوسط و حتا بزرگ تعطیل شد. تعطیلی ۲۰ کوره آجرپزی در اطراف تهران، منجر به اخراج و بیکاری ۳ هزار کارگر شد. در قزوین، تنها در فروردین ماه سال ۸۷، هزار و چهارصد کارگر از کار اخراج شدند، در خراسان رضوی ۷۰۰ کارگر، بروجرد بیش از هزار کارگر، کارخانه‌های چرم و گونی‌بافی برازجان ۴۰۰ کارگر، ایران کیش عسلویه ۳۰۰ کارگر، کارخانه‌های زنجان ۲۴۰۰ کارگر، شرکت پیمانکاری "ظاهر نیرو" هزار کارگر و در "آونگان" اراک ۷۰۰ کارگر از کار اخراج و بیکار شدند.

این آمارها تنها مربوط به یک ماه اول سال ۸۷ است و تنها بخشی از کارگران اخراجی را شامل می‌شود و نه همه کارگران اخراجی را. به جز این‌ها، صدها کارگر کارخانه‌های قند بروجرد، بیستون، شیروان، نیشابور، قهستان و

کارخانه قند بردسیر، نزدیک به ۱۸۰۰ کارگر لوله سازی اهواز و هزارها و دهها هزار کارگر دیگر از بخش‌ها و کارخانه‌های مختلف در سراسر کشور، از کار اخراج شدند. علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر و نماینده مجلس ارتجاع فاش ساخت که تنها در فروردین سال ۸۷، ۵۰ هزار کارگر کار خود را از دست داده‌اند. بدین اعتبار و با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که در طول یک سال گذشته متجاوز از نیم میلیون کارگر، کار خود را از دست داده و به خیابان پرتاب شده‌اند.

برخی دیگر از سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها، به منظور تشدید استثمار کارگران و افزایش سودهای خود، با توسل به کمبود مواد اولیه یا کمبود نقدینگی و بهانه‌های دیگری نظیر این‌ها، از پرداخت بقوق دستمزد کارگران سرباز زدند. به نحوی که در برخی از واحدهای تولیدی مدت ۲ سال به کارگران هیچگونه دستمزدی داده نشد. تعویق پرداخت دستمزدها، تعطیلی و یا تهدید به تعطیلی کارخانه و خطر اخراج، به قاعده و خصوصیت عمومی اکثر واحدهای تولیدی مبدل گردید و همه جا چون چماقی بازدارنده، برفراز سر کارگران قرار گرفت. قفل زدن بر درب کارخانه‌ها، مرخصی‌های اجباری بویژه در تابستان و حوالی نوروز و تمدید آن برای سرگردان نمودن کارگران و زمینه سازی اخراج کارگران و در درجه اول اخراج کارگران رسمی، قدیمی و باسابقه، رواج بیشتری یافت. سرمایه‌داران برای تشدید استثمار کارگران و افزایش سودهای خویش، در سال ۸۷ از این تاکتیک‌ها و روش‌های دیگری نظیر آن، در ابعاد گسترده‌تری سود جستند. آمار انتشار یافته حاکی از آن است که ۹۰ درصد کارگران اخراجی در این گونه واحدها، کارگران رسمی و با سابقه بوده‌اند. سرمایه‌داران از طریق اخراج این دسته از کارگران و قراردادن وظایف آن‌ها بردوش سایر کارگران باقی مانده و یا از طریق استخدام کارگران ارزان‌تر با قراردادهای یکماهه و کمتر، استثمار وحشیانه کارگران را شدت بخشیده و بر سودهای افسانه‌ای خود افزودند. قابل ذکر است که اخراج‌ها و بیکارسازی وسیع و بی‌وقفه کارگران در سال گذشته، در سال جاری نیز با شدت و حدت بیشتری و در ابعاد گسترده‌تری ادامه یافته است.

افزون بر این‌ها، باید از افسانه شدن استخدام رسمی، رخت بر بستن قراردادهای یک‌ساله و شش‌ماهه و رواج گسترده و عمومی قراردادهای ۲۹ روزه و کمتر از آن، یعنی گسترش بیش از پیش ناامنی شدید شغلی و نگرانی شبانه روزی اکثریت عظیم کارگران نام برد. این مؤلفه، در پیوند با افزوده شدن بند "ز" به ماده ۲۱ قانون کار و اعطای حکم فسخ یک جانبه قرارداد کار به کارفرما، که دست کارفرما را در اخراج کارگر بازتر ساخت، در عین حال تأثیر مهمی در تحمیل شرایط دشوار کار و تشدید استثمار و بی حقوقی کارگران برجای گذاشت.

در کنار این‌ها، در سال ۸۷ ما شاهد تلاش مذبحانه سرمایه‌داران برای افزایش ساعات کار روزانه، تبدیل شدن سه شیفت ۸ ساعته به دو شیفت ۱۲ ساعته کار و اخراج کارگران یک شیفت و سرشکن نمودن کار و وظایف آن‌ها بر دوش بقیه کارگران، و یا تحمیل اضافه کاری اجباری از جمله اضافه کاری روزهای جمعه بدون پرداخت حق اضافه کاری و امثال آن هستیم. این تلاش‌ها، گاه البته با اعتصاب و اعتراض یکپارچه کارگران روبرو شده و به شکست و ناکامی کارفرما انجامیده است، که در این مورد می‌توان از نمونه اعتصاب یکپارچه کارگران صنایع ریخته‌گری ساوه در اعتراض به تبدیل سه شیفت ۸ ساعته به دو شیفت ۱۲ ساعته کار و عقب راندن کارفرما نام برد و گاه با پیروزی کارفرما روبرو شده است که از جمله در نمونه شرکت تولید مرغ و جوجه البرز که کارگران باید

روزهای جمعه را نیز کار کنند و یا در شهرک صنعتی البرز در استان قزوین که در عین آنکه ساعات کار زنان کارگر ۱۲ ساعت است، اما سطح دستمزد این دسته از کارگران پایین‌تر از نرّم‌های معمول است و در عین حال از حق شیفت و امثال آن نیز محروم‌اند و علاوه بر همه این‌ها، در هنگام انعقاد قرارداد، نه فقط باید تمام شرایط کارفرما را بپذیرند، بلکه به اجبار باید یک سفته ۵۰۰ هزار تومانی نیز به کارفرما تسلیم کنند.

افزون بر این تعرضات، که تأثیرات بلاانکاری بر وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی و اقتصادی کارگران و همچنین تأثیرات مضر بر جنبش کارگری برجای نهاده است، در سایر عرصه‌ها، از جمله در عرصه سیاسی نیز طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه، در سال ۸۷، بر تعرضات خود علیه طبقه کارگر و جنبش طبقاتی کارگران، به نحو خشن‌تر و با شدت بیش‌تری ادامه داد و بر عمق و دامنه این تعرضات افزود.

جمهوری اسلامی در راستای حراست از منافع سرمایه‌داران، علاوه بر تشدید فضای خفقان و پادگانی کردن محیط بسیاری از کارخانه‌ها و اعمال کنترل پلیسی- جاسوسی از طریق نیروهای امنیتی و حراستی، سرکوب مستقیم کارگران و اعمال خشونت علیه آنان را شدت بخشید. سوای دستگیری‌های پی‌درپی، بازداشت‌ها و احضارهای مکرر و صدور احکام ضد انسانی شلاق و احکام سنگین زندان برای فعالان کارگری، ده‌ها اعتصاب، راهپیمایی و اجتماع اعتراضی کارگری، با خشونت و بیرحمی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. مزدوران سرمایه، صدها کارگر را مورد ضرب و شتم قرار داده، بازداشت نمودند و به زندان افکندند. این کارگران و بویژه فعالان کارگری در زندان نیز مورد تهدید و ارباب و شکنجه قرار گرفته و حتا پس از آزادی از زندان نیز، پیوسته در معرض تعقیب و پی‌گرد و آزار نیروهای امنیتی قرار داشته‌اند. در سال ۸۷، درجه به اصطلاح تحمل رژیم در نحوه روبرو شدن با اعتصابات و اجتماعات اعتراضی کارگران به نحو ملموسی کاهش یافت. به عبارت دیگر نیروهای سرکوب رژیم، بدون نیاز به برخی ظاهرسازی‌های اولیه، دست در دست سرمایه‌داران و کارفرمایان و در همان آغاز اعتصاب یا اجتماع اعتراضی کارگران، بلافاصله دست به کار می‌شدند و پس از محاصره صفوف اعتراض کنندگان و ضرب و شتم وحشیانه و بازداشت شماری از کارگران، به ضرب تفنگ و سرنیزه کارگران را متفرق می‌ساختند. یورش‌های وحشیانه و مکرر مزدوران و نیروهای انتظامی و امنیتی به صفوف به هم فشرده کارگران هفت‌تپه، کارگران لاستیک البرز، کارگران شرکت صنایع اراک، کشتی‌سازی ایران صدرا و لوله‌سازی اهواز، تنها چند نمونه از ده‌ها و صدها مورد یورش نیروهای سرکوب به صفوف کارگران است.

علی‌رغم سازماندهی این حجم عظیم تعرضات در عرصه‌های گوناگون توسط طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه و اجرائی نمودن آن علیه طبقه کارگر و برای قلع و قمع جنبش طبقاتی کارگران، اما اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال ۸۷ نه فقط متوقف نشد و یا حتی کاهش نیافت، بلکه هم به لحاظ کمی و هم از نظر کیفی، روند رشد یابنده‌ای را نیز طی نمود.

صدها اعتصاب و اجتماع اعتراضی کوچک و بزرگ کارگری و شرکت صدها هزار کارگر در این اعتصابات و اجتماعات اعتراضی، به روشنی نشان داد که طبقه حاکم برغم تمام تعرضات وحشیانه و سخت‌گیری‌هایش، قادر نیست طبقه کارگر و جنبش طبقاتی آن، این غولی را که از شیشه بیرون آمده است، منکوب سازد و یا حتی به طور

موثری آن را مهار نماید.

اعتصابات طولانی مدت و اجتماعات اعتراضی جسورانه و مکرر کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، اعتصاب ده هزار کارگر ایران خودرو، اعتصابات و اجتماعات اعتراضی و مکرر لاستیک البرز، لوله سازی اهواز، اعتصاب کشتی سازی ایران صدرا، اعتصاب هشت روزه و هم زمان کارخانه "پلی اورتان"، "پارس واشر"، "پوشینه بافت"، "قوه پارس" و "نازخ" در استان قزوین که با تجمع در برابر استانداری قزوین و سایر موسسات دولتی همراه بود، اعتصاب پیروزمند کارگران "کاشی رویال" در سمنان، از نمونه‌دها و صدها اعتصاب و اجتماع اعتراضی در سال ۸۷ است.

کارگران در سال ۸۷، در مقابله با کارفرمایان و برای دستیابی به مطالبات خویش، علاوه بر اعتصاب و تجمع اعتراضی در برابر ادارات دولتی، فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، اداره کار، دفاتر کارخانه‌ها و شرکت‌ها و امثال آن، که فراوان‌ترین و مرسوم‌ترین شکل مبارزه کارگری بود، در عین حال در اشکال دیگری نیز مانند راهپیمایی و تظاهرات خیابانی در شهرها و مسدود ساختن خیابان‌ها و جاده‌ها نیز دست به مبارزه زدند، که از جمله باز می‌توان به تظاهرات و راهپیمایی‌های مکرر کارگران هفت‌تپه، لاستیک البرز، لوله سازی اهواز و نیز یخچال سازی خرم آباد، شرکت بهداشتی مینا، "آونگان" اراک و نمونه‌های دیگری نظیر این‌ها اشاره کرد. این شکل از مبارزه کارگری، یعنی راهپیمایی و تظاهرات و مسدود ساختن خیابان‌ها و جاده‌ها نیز در سال ۸۷، به طور آشکاری نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته است. علاوه بر این، کارگران برای تحقق مطالبات خویش، در مواردی نیز به اشغال کارخانه و گروگان گیری مدیر عامل دست زده‌اند و یا از خروج تولیدات کارخانه و یا دستگاه‌های تولید توسط کارفرما ممانعت به عمل آورده‌اند. (ادامه دارد)

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه اول اردیبهشت ۱۳۸۸